

## بازخوانی ادله موافقان و مخالفان نقل معنا

مینا شمخی<sup>۱</sup>

محمد رضا دفتری<sup>۲</sup>

### چکیده

در مورد نقل به معنا و تأثیر آن در اعتبار و حجیت احادیث، دو نگاه بر مذاهب شیعه و اهل سنت سایه افکنده است. عده‌ای از علمای فریقین نقل به معنا را تأیید و اخبار منقول به این روش را حجت دانسته و برخی دیگر خلاف آن را اعتقاد دارند. هریک از این دو گروه، باور خود را بر اساس دلایل عقلی و نقلی فراوانی پایه‌گذاری می‌کنند؛ سعی هر دو گروه نیز بر آن است که با نقد دلایل مخالف، درستی ادعای خود را اثبات نماید. نوشتار حاضر با تقسیم‌بندی این دو گروه به موافق و مخالف با روش توصیفی-تحلیلی و نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بر آن است که دلایل هر دو دیدگاه را در مورد حجیت نقل به معنا بررسی نماید تا محدوده استفاده از نقل به معنا در میراث حدیثی مسلمانان معلوم شود و نگاه فقها و محدثان دو مذهب نسبت به استفاده از این روش، روشن گردد. در نهایت یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر محدثان و فقه‌های شیعه و سنی با تعیین شرایطی خاص، استفاده از نقل به معنا را در نقل احادیث پذیرفته و به حجیت و اعتبار چنین روایاتی فتوا داده‌اند.

**واژگان کلیدی:** احادیث، حجیت، فریقین، موافقان، مخالفان، نقل به معنا.

---

۱. نویسنده مسئول، استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه شهید چمران اهواز. اهواز، m.shamkhi@scu.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، Mohammadrezadaftari1375@gmail.com.

## مقدمه

در مورد حجیت حدیثی که به طریق نقل به معنا روایت شده است، از دیرباز میان شیعیان و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۳</sup> عده‌ای به صورت کامل و بدون شرط و یا با تعیین شرایطی معین و محدود، به حجیت آن قائل شده و گروهی دیگر نیز افزون بر رد حجیت، نقل به معنا را از عوامل ضعف و جعل احادیث برشمرده‌اند.<sup>۴</sup> تفصیل هر یک از این نظریات در جای خود خواهد آمد.

اولین منبعی که به دسته‌بندی نظرات در مورد نقل به معنا، به هدف تعیین محدوده حجیت این روش در نقل احادیث توجه نموده، در اواسط قرن پنجم هجری نگاشته شده است. در آنجا گفته شده علما در حجیت و تأیید نقل به معنا اختلاف دارند و سه دسته می‌شوند: عده‌ای به صراحت استفاده از نقل به معنا را منع می‌کنند، گروهی دیگر تجویز کامل و بدون شرط آن را معتقدند و دسته آخر با تعیین شرایطی خاص این روش را تأیید کرده‌اند.<sup>۵</sup> دو گروه آخر از موافقان نقل به معنا محسوب می‌شوند و تنها از نظر تعیین محدوده و شرایط استفاده از نقل به معنا اختلاف دارند.

در مورد نقل به معنا و آثار آن در نقل حدیث، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است. بیشتر این پژوهش‌ها به تعریف نقل به معنا و تاریخچه پیدایش آن پرداخته و به صورت مدون و دقیق، محدوده حجیت نقل به معنا از نظر محدثان شیعه و سنی را مشخص نساخته است؛ هرچند به صورت پراکنده، اشاره‌هایی جزئی در میان بحث از دلایل موافقان و مخالفان داشته‌اند. افزون بر آن، این تحقیق‌ها از نظر موضوع و محتوا ارتباط چندانی با پژوهش پیش‌رو ندارند.

از پژوهش‌های مرتبط با تحقیق حاضر می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان «روایی‌ها و ناروایی‌های نقل به معنا؛ کاوشی در چند و چون نقل به معنا و نسبتش با تحریف» نوشته طاهره محلی کریمی اشاره کرد؛ در این مقاله تنها به دایره ارتباط میان نقل به معنا و تحریف

۳. مفتاح السعیدیه، ص ۲۳۴؛ روایات الجامع الصحیح، ج ۲، ص ۵۳۲.

۴. الخلاصة فی معرفة الحدیث، ص ۱۴۲؛ أثر اختلاف الأسانید، ص ۱۹۶.

۵. الکفایة فی علم الروایة، ص ۱۷۰.

اشاره شده است. مقاله «آسیب نقل به معنا در احادیث» نوشته سید علی دلبری، نیز تنها به ذکر تفصیلی آسیب‌های نقل به معنا پرداخته و سخنی از نقد، با هدف رد و یا اثبات این آسیب‌ها نیامده است و اشاره‌ای به حجیت نقل به معنا از نگاه علمای شیعه و سنی ندارد. در این پژوهش سعی بر آن است که دلایل عقلی و نقلی، موافقان و مخالفان با نگاهی تحلیلی و انتقادی بررسی شود. دسته‌بندی‌های جزئی هر گروه نیز مورد بررسی قرار گرفته تا افزون بر تعیین دامنه حجیت و کارایی نقل به معنا از میان دلایل و دسته‌بندی‌های موجود، به این سوالات پاسخ داده شود که با وجود تمامی مخالفت‌های صورت گرفته با نقل به معنا در طول تاریخ، آیا این روش مورد استفاده محدثان دو مذهب (اعم از متقدم و متأخر) بوده است؟ و نیز احادیث روایت شده به این روش برای دیگر محدثان و علما حجیت داشته است؟ پرسش محوری دیگر آنکه دلایل موافقان و مخالفان استفاده از این روش بر کدام منابع عقلی و نقلی استوار است؟ و درنهایت آیا دلایل مخالفان حجیت نقل به معنا از استحکام لازم برای مخالفت مطلق برخوردار است؟

## نخست. گونه‌شناسی دیدگاه‌های موافق و مخالف حجیت نقل به معنا

این دیدگاه به دو لحاظ مصداقی و موضوعی قابل تقسیم است.

### ۱.۱ دیدگاه مصداقی

عده‌ای در حجیت نقل به معنا مصداقی عمل کرده‌اند؛ یعنی بین فقیه و محدث فرق گذاشته و معتقدند برای محدث تنها نقل به معنا در سند جایز است و در متن نباید نقل به معنا کند، ولی فقیه بر خلاف محدث می‌تواند نقل به معنا داشته باشد.<sup>۶</sup> دسته‌ای دیگر از محدثان بین صحابه و تابعین تفاوت قائل شده و تنها صحابه را مجاز به نقل به معنا در گزارش احادیث دانسته‌اند.<sup>۷</sup> گروهی دیگر راویان را به دو دسته با حافظه و کم حافظه تقسیم کرده و نقل به معنا را تنها برای راویان دارای حافظه ضعیف تجویز

۶. فتح المغیث، ج ۱، ص ۲۶۳.

۷. إسعاف ذوی الوطر، ج ۲، ص ۵۹.

نموده‌اند و نیز معتقدند راوی کم حافظه مصداق اهل عسر و حرج بوده و در نتیجه نقل به معنا برای جلوگیری از نابودی حدیثی که در اختیار دارد، مجاز است.<sup>۸</sup>

### دلایل این دیدگاه و نقد آن

دلیل فرق بین محدث و فقیه را در تقسیم‌بندی فوق، اهتمام و اعتنای محدث به سند حدیث و فقیه به متن روایت دانسته‌اند.<sup>۹</sup> توضیح آن که محدث به علت حوزه تخصصی خود بیشتر به سند حدیث توجه دارد؛ پس در نقل به معنا به این دلیل سعی می‌کند با حفظ و ضبط بیشتری به ذکر سند بپردازد. این موضوع در حالی است که فقیه به علت محدوده تخصصی خود در استنباط احکام سعی می‌کند به متن حدیث توجه بیشتری داشته باشد؛ پس در نقل به معنا به دلیل اهتمام به متن، تلاش می‌کند روایت را با حفظ معنای دقیق و کامل ارائه نماید.

به نظر می‌رسد دلیل فوق دارای اشکالاتی باشد به این دلیل که در بین فقها و محدثان، جمع کثیری از هر دو گروه، به متن و سند در حجیت و فتوا توجه داشته‌اند.

توضیح بیشتر آن که عده بسیاری از فقها برای سند حدیث در فتوا اهمیت قائل بوده و نیز محدثان بسیاری به متن حدیث توجه دارند. با توجه به اشکال فوق، به نظر می‌رسد دیدگاه گروه اول نمی‌تواند به صورت مطلق دلیل کاملی بر حفظ معنا و مفهوم دقیق حدیث در نقل به معنا محسوب شود.

گروه دوم که معتقد به تفاوت میان صحابه و تابعین در نقل به معنا هستند، دلیل خود را بر پایه اتصال مستقیم و بدون واسطه صحابه به پیامبر بنا می‌کنند. این گروه معتقدند چون صحابه اتصال مستقیم پیامبر دارند به طور کامل بر معنای حدیث واقف هستند؛ پس نقل به معنا توسط آن‌ها مانعی ندارد. تابعین و سایر طبقات به علت وجود فاصله و عدم اتصال نمی‌توانند معنای دقیقی مانند صحابه از حدیث پیامبر ارائه دهند.

دلیل فوق نیز به صورت کامل نمی‌تواند صحیح باشد زیرا در بین صحابه، افراد بسیاری به

۸. آسیب نقل به معنا در احادیث، ص ۶۶.

۹. فتح المغیث، ج ۱، ص ۲۶۳.

صورت مستقیم ناظر بر قول و فعل پیامبر بوده‌اند، اما با گذر زمان حدیث پیامبر را از لحاظ معنایی اشتباه و همراه با اشکال و تخلیط روایت کرده‌اند.<sup>۱۰</sup>

## ۱،۲. دیدگاه موضوعی

عده‌ای بر این باورند که نقل به معنا در احادیث مفید علم جایز است، اما استفاده از این روش را در احادیثی که متضمن حکم عملی هستند، جایز نمی‌دانند؛ زیرا معتقدند با استفاده از این طریق ممکن است، حکم عمل به نحوی تغییر کند که مراد حدیث معلوم نشود.<sup>۱۱</sup>

عده‌ای نیز معتقدند نقل به معنا نباید در روایاتی که متضمن ادعیه و اذکار هستند، واقع شود؛ زیرا تعبد به لفظ دعا در این روایات ضروری است. همچنین، نقل به معنا در روایاتی که دارای جنبه زیبا شناختی لفظی هستند، چون این روش زیبایی این روایات را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ممنوع است.<sup>۱۲</sup>

## دوم. موافقان نقل به معنا و دلایل ایشان

موافقان، دیدگاه خود را مبتنی بر دلایل محکم عقلی و نقلی می‌دانند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

### ۲،۱. دلایل عقلی

موافقان نقل به معنا، معتقد به وجود ریشه‌های عقلانی برای آن بوده و در نتیجه استفاده از روش نقل به معنا را در روایت احادیث ضروری می‌دانند، استدلال آنان به این شرح است:

### ۲،۱،۱. اجماع علمای اسلامی و عقلا در طول تاریخ

موافقان در بین علمای حدیث اسلامی - اعم از متقدم و متأخر - از هر دو مذهب شیعه و

۱۰. معیارهای شناخت احادیث ساختگی، ص ۹۱.

۱۱. إسعاف ذوی الوطر، ج ۲، ص ۵۹.

۱۲. آسیب نقل به معنا در احادیث؛ عوامل و پیامدها، ص ۶۶.

سنی حائز اکثریت هستند.<sup>۱۳</sup> مثلاً نقل شده بیشتر پیشینیان و متأخران از فرقه‌های مختلف اسلامی معتقدند که نقل به معنا جایز است به شرط آن که ناقل یقین داشته باشد معنا را رسانده است.<sup>۱۴</sup>

این اجماع به نوعی نشان‌دهنده عقلانی بودن این روش است. چون بیشتر علمای مسلمان فارغ از مذهب، بر صحت استفاده از این روش، البته با تعیین شرایطی معین، صحت گذاشته‌اند که در نهایت همین اجماع علما در طول تاریخ، شاهدی عقلی بر درستی این روش است.

بنا بر سیره عقلا، هنگامی که معنای سخنی به صورت کامل حفظ شود، اگر مانند سخن گوینده نباشد، نقل آن مطابق با عقل است؛ زیرا مراد و مفهوم اصلی سخن حفظ شده است.<sup>۱۵</sup>

از منظر عقلی نیز بعید است که الفاظ یک حدیث، آن هم با وجود راویان بسیار و گذشت قرون متمادی از زمان صدور، بدون هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی روایت شود و اگر تقید به الفاظ، مبنای روایت حدیث و حجیت آن باشد، تنها در مواردی بسیار معدود، اکثر احادیث کتب حدیثی فاقد اعتبار و حجیت می‌شوند، چون با الفاظ ساده از معصوم روایت نشده‌اند.<sup>۱۶</sup>

## ۲،۲. دلایل نقلی

موافقان نقل به معنا از روایات بسیاری برای اثبات نظر خویش بهره گرفته‌اند:

### ۲،۲،۱. روایات دال بر تایید روش نقل به معنا

موافقان، دیدگاه خود را بر احادیث متنوع بسیاری استوار ساخته‌اند. دسته‌ای از این اخبار

۱۳. الشرح المختصر لنخبه الفكر، ص ۶۱؛ مقدمة فی أصول الحدیث، ص ۵۰؛ قواعد التحدیث، ص ۲۲۴.

۱۴. وصول الأخير، ص ۱۵۲.

۱۵. نقل به معنا، ص ۴۵.

۱۶. السنة قبل التدوین، ص ۱۳۵-۱۳۷؛ دفاع عن السنة، ص ۲۲۳؛ منهج النقد فی علوم الحدیث،

ص ۲۲۷.

به صورت مستقیم نقل به معنا را تأیید کرده و دسته‌ای نیز به صورت ضمنی بر استفاده از این روش صحه نهاده‌اند که در نتیجه به هر دو طریق، نصوص بسیار در تأیید این روش می‌توان نقل کرد.<sup>۱۷</sup> معصومان علیهم‌السلام در پاسخ به پرسش‌هایی درباره استفاده از نقل به معنا در نقل احادیث، با تعیین شروطی مانند عدم ورود آسیب به معنا و مفهوم حدیث، روایت با این شیوه را قبول کرده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها در جوامع حدیثی دو مذهب اشاره خواهد شد

۱. شخصی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: ما حدیث شما را می‌شنویم، اما قادر نیستیم با همان کلمات، آن را برای دیگران بازگو کنیم. در این صورت تکلیف چیست؟ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «به شرطی که حلالی حرام و حرامی حلال نشود، نقل به غیر از کلمات حدیث اشکالی ندارد».<sup>۱۸</sup> از حسن بصری در تأیید خبر فوق نقل شده است: اگر ما این روایت را نمی‌شنیدیم، از پیامبر حدیثی روایت نمی‌کردیم.<sup>۱۹</sup>

۲. از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: آن حضرت، در پاسخ محمد بن مسلم که پرسیده بود: حدیث شما را می‌شنوم و سپس با کم و زیاد نمودن الفاظ، آن را روایت می‌کنم، آیا این کار، در نقل سخن شما درست است؟ امام علیه‌السلام فرمود: «اگر به معنای حدیث نظر داری اشکالی ندارد».<sup>۲۰</sup> بیشتر محدثان متأخر بر صحت این حدیث اعتراف کرده و آن را از مهم‌ترین روایاتی می‌دانند که در تأیید نقل به معنا وارد شده است. البته آنها تذکر داده‌اند که اجازه امام در جایگاهی است که کم و زیاد نمودن لفظ، مخّل در معنا نشود.<sup>۲۱</sup> این حدیث در بین محدثان متأخر، مشهور به «صحیح محمد بن مسلم» است.

۱۷. التعلیقہ علی أصول الکافی، ص ۱۱۲؛ محاسن الإصطلاح، ص ۲۱۸؛ الفصول المهمه، ج ۱، ص ۵۲۲؛ إیسال المطر، ص ۲۹۴؛ الفصول المهمه، ج ۱، ص ۵۲۲.

۱۸. المختصر فی علم الأثر، ص ۱۳۶.

۱۹. همان، ص ۱۳۶.

۲۰. الکافی، ج ۱، ص ۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۶۴.

۲۱. روضة المتقین، ج ۱، ص ۲۸؛ شرح الکافی، ج ۱، ص ۲۵۴؛ الهدایا لشیعة أئمة الهدی، ج ۱، ص ۵۰۷؛ منهج البراعة، ج ۱۴، ص ۵۸.

۳. حدیث دیگر تنها در دو منبع متأخر و به واسطه کتاب «مدینه العلم»، شیخ صدوق روایت شده و به نظر یک حدیث معاضد برای صحیحہ محمد بن مسلم است. به امام صادق علیه السلام عرض شد: حدیثی را می‌شنوم و شاید نتوانم آن گونه که شنیدم روایت کنم. امام در جواب فرمود: «اگر به معنا رسیدی، منعی نیست. این تفاوت‌ها مانند تفاوت «هلم»، «تعال»، «إقعد» و «إجلس» است.»<sup>۲۲</sup>

۴. روایتی در منابع متقدم به دو طریق منسوب به امام صادق علیه السلام است: اول در قدیمی‌ترین منبع متعلق به قرن سوم و نویسنده‌ای ناشناس که به صورت مرفوع به امام ششم نسبت داده شده: «هرگاه به معنای حدیث رسیدی، هرگونه می‌خواهی در (ظاهر) آن تصرف کن.»<sup>۲۳</sup> طریق دوم هم با اندکی تفاوت در متن (اضافه شدن ضمیر «نا» به حدیث) متعلق به قرن ششم و به صورت مرفوع روایت شده است.<sup>۲۴</sup> طریق دوم بین متأخران مشهور است. بسیاری از محدثان متأخر افزون بر روایت حدیث، تصریح می‌کنند که این روایت از احادیث دال بر تجویز نقل به معناست.<sup>۲۵</sup>

## ۲،۲،۲. تأکید و تأیید صحابه، تابعین و علمای اسلامی

عده‌ای از محدثان شیعه و سنی اعم از متقدم و متأخر، معتقدند نقل به معنا روشی به یادگار مانده از صحابه و ائمه چهارگانه مذاهب است.<sup>۲۶</sup> امام علی علیه السلام، ابن عباس، ابن سیرین، مجاهد، عکرمه و عطاء، صحابه و تابعینی هستند که در تاریخ به عنوان موافق نقل به معنا از آنها یاد شده است و در نتیجه موافقان، وجود اسامی فوق را نشانی بر پیشینه نظریه تجویز به قدمت صدر اسلام می‌دانند.<sup>۲۷</sup> برای نمونه از ابن سیرین روایت شده است: من

۲۲. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۶۱.

۲۳. الأصول الستة عشر، ص ۳۱۹.

۲۴. معارج الأصول، ج ۳، ص ۵۷۰.

۲۵. السرائر، ج ۳، ص ۵۷۰؛ نوادر الأخبار، ص ۴۸؛ وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۰۵؛ بنادر البحار، ص ۲۷۳؛

سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۱۰.

۲۶. شرح علل الترمذی، ص ۱۱۶؛ شرح نخبه الفکر، ص ۴۹۳.

۲۷. معرفة أنواع علوم الحديث، ص ۲۱۸؛ تحرير علوم الحديث، ج ۲، ص ۲۷۹؛ علم الحديث، ص ۱۵۲.



حدیث پیامبر را از ده طریق می‌شنوم که دارای معنایی واحد، اما الفاظی مختلف هستند.<sup>۲۸</sup> در نقل دیگری با همین موضوع آمده یاران پیامبر ﷺ، مجالس وی را پس از گذشت زمانی با الفاظ دیگری نقل می‌کرده‌اند.<sup>۲۹</sup>

گفتنی است در خصوص تجویز ابن سیرین اختلاف وجود دارد. برخی منابع حدیثی، از او به عنوان مخالف نقل به معنا یاد کرده‌اند.<sup>۳۰</sup> گروهی دیگر نیز او را تنها به عنوان مخالف نقل به معنا در سند می‌شناسند.<sup>۳۱</sup>

مرسوم بودن این روش در صدر اسلام برای نقل حدیث نیز بیانگر رواج استفاده از نقل به معناست. زیرا علمایی مانند ابوریه معتقدند صحابه به این دلیل که نمی‌توانستند احادیث را به لفظ پیامبر روایت کنند، قائل به استحباب نقل به معنا برای خود در نقل حدیث شده‌اند.<sup>۳۲</sup> و اصحاب ائمة معصوم نیز چندان بر نوشتن حدیث به عین الفاظ مقید نبوده‌اند.<sup>۳۳</sup>

### ۲،۲،۳. روش قرآن در ذکر اخبار غیبی

موافقان نقل به معنا معتقدند خداوند در قرآن کریم اخبار غیبی و داستان‌های اقوام پیشین را بدون تکیه بر لفظ آنها بیان کرده است؛ لذا اگر چنین روشی دارای ایراد و اشکال بود، در قرآن کریم از آن استفاده نمی‌شد؛ مصحف شریف، پیراسته از هرگونه خطا و اشتباه است.<sup>۳۴</sup>

### ۲،۲،۴. عسر و حرج در نقل عین الفاظ

۲۸. فتح المغیث، ج ۳، ص ۱۳۸.

۲۹. معارج الأصول، ص ۱۵۳.

۳۰. الیواقیت و الدرر، ج ۲، ص ۱۱۹؛ النکت علی کتاب ابن الصلاح، ج ۱، ص ۲۵۴؛ الوسیط فی علوم و مصطلح

الحدیث، ص ۲۹۵.

۳۱. النکت الوفیة، ج ۲، ص ۵۷.

۳۲. الأنوار الکاشفه، ص ۷۵.

۳۳. مرآة العقول، ج ۱، ص ۷۴؛ منهاج‌المحدثین، ص ۳۶۱.

۳۴. معارج الأصول، ص ۴۳۶؛ الشافی فی شرح الکافی، ج ۱، ص ۴۳.

یکی دیگر از دلائل موافقان نقل به معنا، ورود الفاظ هم معنا برای جایگزینی با لفظ معصوم و غامض بودن معنای حقیقی حدیث است، به گونه‌ای که راهی جز نقل به معنا برای روان کردن معنای حدیث و فهم آسان‌تر آن وجود ندارد.<sup>۳۵</sup> محدثین بسیاری در طول قرون متمادی بر صحت این دلیل اعتراف کرده و آن را از مهم‌ترین دلایل استفاده از نقل به معنا برشمرده‌اند.<sup>۳۶</sup>

### سوم. نظریه اولویت حفظ لفظ

این نظریه چندان بین محدثین مشهور نیست اما گروهی چند از محدثان همچون مالک از اهل سنت و محمدباقر مجلسی از شیعه ضمن تجویز و تایید کلی روش نقل به معنا، فتوا داده‌اند که اگر لفظ حدیث همانند معصوم روایت شود اولی و مستحب است.<sup>۳۷</sup> دلیل این فتوا، دور شدن از عصر ائمه و در نتیجه از بین رفتن قرائن و تغییر معنای کلمات در گذر زمان ذکر شده است.<sup>۳۸</sup> بدیهی است که اگر عین لفظ معصوم موجود باشد و فصاحت الفاظ حدیث به گونه‌ای که روایت را دچار ابهام نکنند، موجود باشند نظریه اولویت می‌تواند مورد قبول واقع شود، اما با دلایل بسیاری که در قبل ذکر شد، به صورت کامل نمی‌توان به این دیدگاه استناد کرد.

### چهارم. شرایط حجیت حدیث نقل به معنا

همانگونه که ذکر شد، موافقان شروطی را برای نقل به معنا ذکر کرده‌اند و نقل حدیث به این شیوه را جز با رعایت این شرط‌ها جایز نمی‌دانند. از نظر این گروه راوی باید افزون بر داشتن حافظه‌ای قوی، عالم به حقیقت الفاظ، مجازهای لفظی و مفهوم و منطوق آن بوده و نیز معنای حدیث در ذهنش واضح باشد. با رعایت این شروط، راوی مجاز است از نقل

۳۵. فتح الباقي، ج ۲، ص ۷۲؛ شرح علل الترمذی، ص ۴۲۸؛ الشرح المختصر، ص ۶۱.

۳۶. تبسیط علوم الحدیث، ص ۱۲۹.

۳۷. نزهة النظر، ص ۱۲۰؛ توثیق السنة، ص ۴۱۹؛ الوسیط، ص ۱۴۴.

۳۸. بنادر البحار، ص ۲۷.

به معنا استفاده کند. افزون براین موارد، راوی باید به اندازه کافی عالم به زبان عربی باشد.<sup>۳۹</sup> متن حدیث نیز باید به گونه‌ای روایت شود که به صورت آشکار و پنهان دلالت بر متن اصلی حدیث کند.<sup>۴۰</sup>

### پنجم. مخالفان نقل به معنا

مخالفان استفاده از روش نقل به معنا دارای اختلافاتی جزئی با یکدیگر هستند. توضیح آنکه دسته‌ای از آنها به صورت کامل، نقل به معنا را منکر شده‌اند و این موضوع در حالی است که گروهی دیگر نیز با شروطی محدود کننده، استفاده از آن را به حداقل رسانده و به طور کلی و با نگاهی همراه با احتیاط به آن می‌نگرند.<sup>۴۱</sup> عده‌ای از مخالفان نیز تا بدانجا نقل به معنا را نفی می‌کنند که حتی برخی از عالمان مذاهب شافعی و مالکی، جابجایی لفظی بعد از لفظ دیگر را جایز نمی‌دانند.<sup>۴۲</sup> این دسته از مخالفان حتی تغییر در حرکت حرف را هم جایز نمی‌دانند.

برای نمونه نقل شده است که حماد شاگردش را به خاطر تغییر یک حرکت - بدون اینکه به تغییر معنای لفظ منجر شود- مورد عتاب قرار داد.<sup>۴۳</sup> گروهی دیگر از مخالفان، افزون بر متن حدیث، تغییر در سلسله سند را از باب نقل به معنا جایز نمی‌دانند؛ برای نمونه از اضافه کردن لقب و یا کم کردن القاب راوی در سند نهی می‌کنند. مثلاً اگر در سلسله سندی «قال ابوهریره» باشد، به عقیده این گروه جایز نیست «قال الصحابی ابوهریره» روایت شود.<sup>۴۴</sup>

۳۹. منهج البراعه، ج ۱۴، ص ۵۷؛ سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۱۰؛ الخلاصة فی معرفة الحدیث، ص ۱۳۹؛ شرح التبصرة و التذکره، ج ۱، ص ۵۰۶.  
۴۰. تدوین السنة الشریفه، ص ۲۵۲.  
۴۱. أثر اختلاف الأسانید و المتون، ص ۱۲۸.  
۴۲. فتح المغیث، ج ۳، ص ۱۴۰؛ توجیه النظر، ج ۲، ص ۶۸۴.  
۴۳. الشذا الفیاح، ج ۱، ص ۳۶۷.  
۴۴. الموقظة، ص ۶۲.

مخالفان نیز مانند موافقان دلایلی را برای اثبات دیدگاه خود ارائه می‌کنند. در ادامه به تفصیل این دلایل پرداخته و در صورت لزوم به نقد برخی از آنها می‌پردازیم:

### ۵.۱. وجود تفاوت معنایی در لغات مترادف زبان عربی

مخالفان معتقدند الفاظ مترادف عربی دارای تفاوت‌هایی است که اگر به جای هم استفاده شوند، ممکن است معنای حدیث را تغییر دهند. برای نمونه، تبدیل لفظ رسول به نبی در حدیث نبوی را جایز نمی‌دانند؛ درحالی‌که هر دو لفظ از لحاظ معنا مترادف هستند. در این ادعا منع شده است که به جای «قال رسول الله»، «قال نبی» گفته شود.<sup>۴۵</sup> از نظر این افراد، نبی و رسول با یکدیگر تفاوت معنایی دارند؛ زیرا هر رسولی، نبی است اما هر نبی‌ای، رسول نیست.<sup>۴۶</sup>

اشکال فوق برای رد نقل به معنا کافی نیست مگر فرض را به این مورد حمل کرد که مردم مصداق رسول الله را فقط پیامبر اسلام می‌دانستند و به همین علت «قال رسول الله» را حدیث پیامبر اسلام دانسته و برای نقل احادیث دیگر انبیای الهی عبارت «قال نبی الله» را به کار می‌بردند و در نهایت از این رو تبدیل رسول به نبی و به عکس جایز نیست؛ زیرا ممکن است حدیث پیامبر اسلام با دیگر انبیا اشتباه شود و تشخیص آنها از هم ممکن نباشد. تنها در صورت احتمال فوق می‌توان با احتیاط فرض کرد تبدیل نبی به رسول و بر عکس جایز نیست؛ درحالی‌که این احتمال بسیار بعید است؛ در نتیجه دلیل مذکور برای رد نقل به معنا کافی نیست و تنها برای سخت‌گیری و تقیّد بسیار به لفظ حدیث وضع شده است.

همچنین، هیچ‌کسی حتی موافقان نقل به معنا، منکر وجود تفاوت‌های ریز معنایی در لغات مترادف زبان عربی نیست؛ اما زمانی که راوی، عالم به تفاوت‌های الفاظ و معانی نهفته در آنها باشد، سعی می‌کند به نحوی جایگاه الفاظ مترادف را با هم عوض کند که به علت تفاوت ریز معنایی، مراد و مفهوم حدیث تحت تاثیر قرار نگیرد.

۴۵. المقنع فی علوم الحدیث، ج ۱، ص ۳۸۹.

۴۶. المنهل الروی، ص ۱۰۴.

## ۵،۲. ضبط تمامی احادیث در جوامع حدیثی

عده‌ای نیز روایت معنا را در زمانی که احادیث در کتب و جوامع حدیثی به طور کامل ضبط شده باشد، منع می‌کنند؛ به این دلیل که کلمات و حروف احادیث در کتب حدیثی مسجل است و روایت به معنا در زمانی محل احتیاج بوده که راوی عین کلمات حدیث را نمی‌داند اما بر معنای حدیث کاملاً آگاه است.

با وجود فرض فوق و در عصر معاصر که تمامی کلمات در کتب مضبوط هستند، جایی برای استفاده از نقل به معنا وجود ندارد.<sup>۴۷</sup>

دلیل اصلی مخالفان این ادعا، احتمال خطایی است که ممکن است به احادیث راه یافته و مراد معصوم را به دلیل تغییر الفاظ مورد تحریف و تغییر قرار دهد.<sup>۴۸</sup> از قرون اولیه اسلامی، محدثین شیعه و سنی تلاش کرده‌اند با تهیه کتب و جوامع حدیثی متنوع، میراث حدیثی مسلمین را حفظ نمایند. در صورت صحت دلیل فوق، به دلیل تهیه شدن جوامع حدیثی از همان صدر اسلام نباید جایگاهی برای وجود نقل به معنا وجود داشته باشد زیرا متن احادیث پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام در کتبی مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم و نیز کافی کلینی مضبوط شده است، اما همان‌گونه که مشاهده می‌شود حتی بعد از تهیه جوامع حدیثی، محدثان برای نقل احادیث از روش نقل به معنا استفاده می‌کرده‌اند. پس در طی این قرون جوامع حدیثی، بی‌نیاز از روایت حدیث به روش نقل به معنا نبوده‌اند به این دلیل که بسیاری از روایات در این کتب نیامده و متن آن‌ها ثبت نشده است.

مسئله دیگر آنکه نقل به معنا در دوران معاصر نیز به صورت کامل متروک نشده است، هر چند به معنایی که در زمان صدور احادیث مصداق داشته، وجود ندارد؛ اما استفاده از این روش به گونه‌ای نیست که با گذر زمان، کامل متروک شده و یا به ادعای مخالفان، به دلیل ضبط احادیث در کتب نیازی به استفاده از آن نباشد؛ زیرا در همین دوران معاصر، نقل به معنا به اشکالی مانند: ترجمه‌های روایی و قرآنی، بیان حدیث بر منابر و در جلسات علمی

۴۷. الغایة فی شرح الهدایة، ص ۱۱۲؛ الشذا الفیاح، ج ۱، ص ۳۶۳؛ تیسیر مصطلح الحدیث، ص ۲۱۲.

۴۸. السنة قبل التدوین، ص ۱۳۹.

و خطابی مورد استفاده عالمان اسلامی قرار می‌گیرد.<sup>۴۹</sup>  
گفتنی است با گذر زمان و در دوران معاصر که غالب احادیث در کتب متقدم و متأخر ثبت شده‌اند، دلیل دوم می‌تواند البته نه به صورت مطلق، مورد استناد باشد به این دلیل که احتمال دارد در همین دوران معاصر نیز احادیثی وجود داشته باشد که به دلایل مختلف، در کتب حدیثی ثبت نشده‌اند. به نظر می‌رسد هر چه کتب حدیثی کامل‌تر شود دلیل دوم نیز جایگاه محکم‌تری خواهد یافت.

### ۵،۳. ورود اشتباه، ضعف و اختلاف به متن و معنای حدیث

در تفصیل صحت دلیل سوم، به نظر قاضی عیاض استناد شده است. از نظر قاضی، راه نقل به معنا باید بسته شود؛ زیرا ممکن است به علت خطا و اشتباه، آنچه که در حدیث، بد است؛ نیکو دانسته شده و آنچه که نیکوست، بد به نظر برسد<sup>۵۰</sup> و یا به گفته شافعی، حلالی حرام و حرامی حلال شود.<sup>۵۱</sup>

معتقدان به منع، همچنین اختلاف در استنباط احکام از احادیث را ناشی از رواج نقل به معنا می‌دانند و استدلال می‌کنند به دلیل مختلف بودن الفاظ حدیث، استنباط محدثان و فقها از متن آن متفاوت می‌شود؛ درحالی که اگر لفظ واحد بود و در نقل به معنا به صورت مختلف روایت نمی‌شد، چنین اختلافاتی پیش نمی‌آمد. پس از عوامل اختلاف در میان علما و مذاهب در فتوا، اتکا به نقل به معنا در روایت احادیث است.<sup>۵۲</sup>

برای اثبات استدلال فوق به روایت ابن عمر از پیامبر استناد شده است که به دلیل جابجایی یک واو، به علت نقل به معنا، حکم روزه مسافر، محل اختلاف میان فقها در طول تاریخ شده است. توضیح آنکه اگر این واو به طریق نقل به معنا روایت نمی‌شد، محلش مشخص و حکمش مبرهن و واحد بود.<sup>۵۳</sup>

۴۹. نقل به معنا در حدیث، ص ۶۹.

۵۰. نزهة النظر، ص ۱۲۰.

۵۱. منهج الإمام احمد، ج ۱، ص ۳۸۱.

۵۲. إسبال المطر، ص ۲۶۵؛ علم التخریج، ص ۴.

۵۳. صیانة صحیح مسلم، ص ۱۴۷.

نمونه دیگر این اتفاق، حدیث منع مالیدن زعفران به بدن است؛ زیرا به علت نقل به معنا در مطلق و مقید بودن این حکم، بین علما اختلاف افتاده است. گروهی منع را مطلق و گروهی دیگر زنان را از این منع معاف دانسته‌اند.<sup>۵۴</sup>

این گروه همچنین دلیل اصلی اختلاف بین الفاظ یک روایت را نقل به معنا دانسته<sup>۵۵</sup> و استفاده از این روش را از عوامل مستقیم تضعیف و تعلیل یک حدیث می‌دانند.

مخالفین نقل به معنا در دلیل سوم فقط این روش را عامل ورود خطا و اشتباه در متن و حکم حدیث دانسته‌اند؛ اما به این نکات توجه نکرده‌اند که اولاً دلایل دیگری همچون تصحیف، نحوه استنساخ و نوشتن حدیث هم می‌تواند از دلایل اختلاف الفاظ یک خبر باشد و ثانیاً اختلاف یک روایت به صرف الفاظ مختلف آن نمی‌تواند موجب ضعف یک خبر باشد، مگر آنکه در این اختلاف الفاظ، تناقض نیز به وجود آید.<sup>۵۶</sup>

موافقان در ادامه رد این دلیل، معتقدند در جایی نقل به معنا موجب ضعف است که افزون بر مابینت الفاظ حدیث با لفظ معصوم، معنای حدیث نیز با قدیمی‌ترین منبعی که در آن روایت شده، متفاوت و متناقض باشد. در این صورت، نقل به معنا به صورت غیر مستقیم می‌تواند موجب تضعیف حدیث گردد، اما در جایی که معنا متفق و الفاظ متنوع هستند، صرف نقل به معنا موجب تضعیف حدیث نمی‌شود.<sup>۵۷</sup>

از موافقان نقل به معنا کسی منکر نیست که در صورت تحقق نیافتن شروط نقل به معنا، ضعف، اشتباه و احتمال تغییر حکم در حدیث اتفاق خواهد افتاد یا از جهت دیگر نقل به معنا می‌تواند در این صورت، عاملی برای تقطیع و حتی تحریف حدیث باشد؛ زیرا در این روش، احتمال دارد که راوی، الفاظ معصوم را تغییر داده و از متن حدیث کاسته و یا بر آن بیافزاید، اما با رعایت شروط معینی، همچون عدم ورود خلل به معنای حدیث برای نقل به

۵۴. توجیه النظر، ج ۲، ص ۶۸۴.

۵۵. المقترَّب فی بیان المظطرب، ص ۹۴.

۵۶. همو، ص ۱۷۰.

۵۷. تحریر علوم الحدیث، ج ۲، ص ۶۵۲.

معنا، می توان این اشتباهات را کاملاً بر طرف کرد و یا آنها را به حداقل رساند.<sup>۵۸</sup>

#### ۵.۴. از بین رفتن فصاحت کلام معصوم علیه السلام

مخالقان معتقدند لفظ پیامبر و معصوم دارای فصاحتی است که در صورت نقل به معنا و جایگزینی الفاظ از بین می رود؛<sup>۵۹</sup> همانند الفاظ قرآن که هرگونه جایگزینی و تغییر آنها افزون بر تبدیل معنا، فصاحت و بلاغت کلام الهی را از بین می برد. کلام معصوم نیز شامل همین قاعده است.

در نقد این دلیل، باید به دو نکته توجه نمود: اول، کسی از علمای اسلام منکر فصاحت کلام معصوم نیست؛ اما در طول زمان، شرایطی به وجود آمده که استفاده از نقل به معنا را اجتناب ناپذیر ساخته است. توضیح آنکه با فاصله گرفتن از عصر معصومان علیهم السلام، طبیعتاً محدثان عین لغات آنها را در گذر زمان فراموش می کردند و نیز با پایبندی به لفظ فصیح معصوم به زبان عربی، انتقال شریعت به دیگر امت ها با زبان های مختلف ممکن نمی شد. در نتیجه اگر بخواهیم با وجود این دو مسئله، به فصاحت کلام معصوم در نقل حدیث پایبند بمانیم، بسیاری از احادیث غیر قابل انتقال می شود، در نتیجه این احادیث برای استنباط احکام شرعی و غیر آن به دیگران نمی رسید، در حالی که مصلحتی مهم تر، ایجاب می کند که با چشم پوشی اجباری از فصاحت لفظ معصوم، معانی و مراد کلام آنها به آیندگان و سایر جوامع برسد، هرچند الفاظ متفاوت باشند.

گفتنی است کسی از علمای اسلامی، کلام معصوم را هم سطح کلام خدا ندانسته تا این قاعده شامل حال آن هم بشود.

دوم، معصومان علیهم السلام در مقام راوی اصلی حدیث تنها در صدد اثبات توانایی خود در بیان سخنان و احادیث فصیح و بلیغ نبوده، هدف اصلی آنها از این اقوال، رساندن پیام و

۵۸. روایی ها و ناروایی های نقل به معنا؛ کاوشی در چند و چون نقل به معنا و نسبتش با تحریف و تغییر کلام، ص ۱۴۵.

۵۹. فتح الباقی بشرح ألفیة العراقی، ج ۲، ص ۷۳؛ تدریب الزاوی فی شرح تقریب النواوی، ج ۱، ص ۵۳۷؛ التعلیقه علی أصول الکافی، ص ۱۱۲.



مرادشان به مخاطب است.<sup>۶۰</sup> پس در مواقعی، ممکن است معنای کلامشان نیز تحت تأثیر فصاحت و بلاغت الفاظ قرار بگیرد و ایشان به صورت معمولی و با الفاظ عادی به ایراد سخن پرداخته باشند تا مراد و معنای سخنشان به آسانی به مخاطب منتقل شود، پس معصومان عليهم السلام به صورت مطلق در مقام فصاحت‌گویی نبوده‌اند تا با تبدیل الفاظ حدیث، فصاحت کلامشان از بین برود.

## ۵.۵. استناد به روایات

گروه مخالفان، نه تنها احادیث دال بر تجویز استفاده از نقل به معنا را نقد کرده، بلکه آنها را دارای اضطراب متنی و سندی می‌دانند.<sup>۶۱</sup> همچنین این گروه برای ادعای خود قائل به نص بوده و نظریه خویش را مبتنی بر احادیثی که مفید منع نقل به معنا هستند، بنا می‌کنند. این روایات عبارتند از:

۱. حدیث مشهوری از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم با الفاظ مختلف نقل شده است، اما در عین اختلاف در لفظ، دارای مضمون واحدی است و مخالفان، این روایت را از مهم‌ترین احادیثی می‌دانند که در رد نقل به معنا موجود است. متن حدیث دارای طرق متعددی است. در یک نقل پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم فرمودند: «خداوند رحمت کند کسی را که حدیثی از من شنیده، پس آن را حفظ کرده و همان‌گونه که شنیده آن را به دیگری برساند».<sup>۶۲</sup> منظور از حفظ حدیث در این روایت را ضبط الفاظ و عدم تغییر و تبدیل آنها می‌دانند. این روایت با صدر و ذیل‌های مختلف در کتب شیعه و سنی روایت شده است.

در یک طریق مشهور دیگر از ایشان روایت شده: «خداوند شاد کند بنده‌ای را که سخن مرا می‌شنود و آن را حفظ کرده و به دیگری می‌رساند؛ چه بسا کسی که به آن سخن، نا آگاه

۶۰. معیارهای شناخت احادیث ساختگی، ص ۱۲۳.

۶۱. إسعاف ذوی الوطر، ج ۲، ص ۵.

۶۲. صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۲۷۰.

است، حدیث را به کسی برساند که از او داناتر است».<sup>۶۳</sup>

در استناد به این حدیث برای منع جواز نقل به معنا، اشکالاتی وجود دارد. اولاً نقل شده ادای حدیث، مقصور و موقوف بر لفظ نمی باشد و در حدیث هم قرینه‌ای وجود ندارد که منظور از حفظ، ادای به لفظ است. ممکن است کسی حدیث را بشنود، ولی با معنایش آن را بازگو کند که در این صورت بنا بر ظاهر حدیث، آن را حفظ کرده است. منظور از حفظ حدیث در این روایت عدم تغییر معنای آن بوده و از هر حیث دلالتی بر نهی از تغییر لفظ و تکیه بر عین آن در نقل حدیث وجود ندارد.<sup>۶۴</sup>

۲. این روایت را شیعه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است و مخالفان نقل به معنا، بنا بر ظاهر آن، حفظ لفظ را استنباط کرده‌اند: «ابو بصیر از امام تفسیر آیه «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه» را پرسید و امام در پاسخ، مصداق اهل بشارت در این آیه را کسانی دانسته‌اند که چون حدیثی را می‌شوند، بدون کم و زیاد به نقل آن می‌پردازند».<sup>۶۵</sup> ولی اولاً در حدیث، قرینه‌ای که دال بر حفظ لفظ باشد، وجود ندارد و در نتیجه ازدیاد و نقص، می‌تواند در معنا هم اتفاق بیافتد. پس موافقان نیز می‌توانند مانند مخالفان بر این حدیث استناد کنند و منظور از کم یا زیاد شدن را نه در لفظ، بلکه در معنا بدانند.

ثانیاً اگر هم این حدیث بر حفظ لفظ دلالت کند، اولویت و رجحان حفظ لفظ را می‌رساند،<sup>۶۶</sup> ولی لزوماً به طور کامل و مطلق این روش را رد نمی‌کند؛ زیرا روایات و دلایل عقلی و نقلی فراوانی به صراحت نقل به معنا را تایید می‌کنند و نمی‌توان برای رد آنها به حدیثی استناد نمود که حتی دارای قرینه‌ای در اثبات ادعای مخالفان نیست.

## ۵،۶. سیره صحابه، تابعین و علمای اسلامی

مخالفان، مانند موافقان نقل به معنا معتقدند قدمت مخالفت با این روش، به صدر اسلام

۶۳. السنن (ابن ماجه)، ج ۱، ص ۱۵۹؛ المعجم الأوسط، ج ۳، ص ۲۵۶؛ المسند (احمد بن حنبل)، ج ۲۱،

ص ۶۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ الأمالی، ص ۱۸۶.

۶۴. فتح الباقی، ج ۲، ص ۹۴؛ قواعد التحذیر، ص ۲۲۵؛

۶۵. الکافی، ج ۱، ص ۵۱.

۶۶. نقل به معنا، ص ۴۴.

می‌رسد و گروه بسیاری از صحابه و تابعینی همچون: ابن عمر، ابن سیرین و در قرون بعد علمایی مانند: ابواسحاق اسفراینی و ابوبکر رازی قائل به منع و رد این روش در نقل حدیث بوده و به حفظ لفظ معصوم در روایت احادیث اهتمام بسیار داشته‌اند.<sup>۶۷</sup>

روش صحابه در مواقعی که راویان حدیث سعی داشته‌اند از نقل به معنا به گونه‌ای استفاده کنند که معنای حدیث با کم‌ترین تغییر در لفظ نقل شود، بدین شکل بوده که عکس‌العمل لازم را در تذکر به راوی نشان داده و بر حفظ صحیح لفظ حدیث تاکید کنند.

نمونه عینی مطلب فوق را می‌توان در این ماجرا مشاهده کرد: نقل است که ابن عمر این حدیث را به این شکل از پیامبر ﷺ صحیح ندانست: «مثل منافق مانند گوسفندی است که میان دو گوسفند وامانده و سرگردان واقع شده و نمی‌داند به کدام ملحق شود» و اعتراض کرد. دلیل اعتراض ایشان، عوض کردن لفظ «غنمین» به معنای گله در حدیث با لفظ «ربضتین» توسط راوی بود.<sup>۶۸</sup>

### تحلیل و نقد

موافقان نقل به معنا در نقد این دلیل، شدت ورع و تقوای این اشخاص را موجب نگاه محتاطانه آنها به نقل به معنا دانسته‌اند، درحالی‌که به صرف این نگاه، نمی‌توان منع کامل از نقل به معنا را استنباط نمود.<sup>۶۹</sup>

با این وجود، قابل انکار نیست، کسانی مانند: احمد بن حنبل و نیز مسلم، نگاهی به شدت احتیاط‌آمیز و همراه با بدبینی شدید نسبت به این روش داشته‌اند، اما به صورت مطلق آن را منع نکرده‌اند و این موضوع در حالی است که علمای بزرگی مانند بخاری، از موافقان نقل به معنا بوده و در صحیح خود، بسیار از این روش نقل استفاده کرده‌اند.<sup>۷۰</sup>

در نقد استناد به حدیث ابن عمر گفته شده: تقیّد ابن عمر به الفاظ این حدیث، در طریق

۶۷. توجیه النظر، ج ۲، ص ۶۸۳؛ تدریب الزاوی، ج ۱، ص ۴۳۵.

۶۸. إتحاف الخیر، ج ۱، ص ۱۹۰؛ السنن (دارمی)، ج ۱، ص ۳۵۶؛ مسند ابی‌داود الطیلسی، ج ۳، ص ۳۴۴.

۶۹. البیواقیة و الدرر، ج ۲، ص ۱۲۳.

۷۰. الشذا الفیاح، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۹؛ الغایة فی شرح الهدایة، ص ۳۴۴.

دیگری مورد اعتراض شخصی به نام عبدالله بن صفوان قرار گرفت. زیرا این شخص معنی دو لفظ «غنمین» و «ربضتین» را یکی می دانست.<sup>۷۱</sup> اعتراض به ابن عمر نشان دهنده وجود گروه موافقان نقل به معنا در حد اعتراض به صحابه در صدر اسلام است.

## ۵،۷. نقل به معنا عامل دروغ بستن به معصوم

مخالفان همچنان معتقدند نقل به معنا از عوامل کذب بر رسول خداست که در قرآن و حدیث به شدت تقبیح شده است؛ زیرا الفاضلی در نقل مورد استفاده قرار می گیرد که با لفظ معصوم متفاوت بوده و تحقق دروغ نیز زمانی است که ناقل خبر، آن را بر خلاف سخن مخبر حتی در لفظ بیان کند.

## تحلیل و نقد

به نظر می رسد مخالفان در تعریف محدوده دروغ با موافقان نقل به معنا اختلاف دارند؛ زیرا موافقان در نقد این ادعا استدلال کرده اند که در نقل به معنا به دلیل حفظ معنا و عالم بودن راوی به معنا و مدلول الفاظ معصوم و مقصود حدیث، کذب محقق نمی شود و دروغ زمانی است که لفظ و معنای روایت مخالف مقصود واقعی حدیث باشد؛<sup>۷۲</sup> اما مخالفان، کذب را نه تنها در تغییر معنای یک حدیث بلکه در الفاظ آن هم صادق می دانند.

## نتیجه گیری

با تمام تقسیم بندی های مذکور از لحاظ به کارگیری روش نقل به معنا، دو مسلک کلی درباره حجیت حدیث نقل به معنا شده، وجود دارد: مسلکی که قائل به حجیت است و عکس آن مسلکی که به هیچ روی نقل به معنا را برنتافته و این روش را موجب فساد مراد معصوم و از زمینه های پدیده جعل می شمارد.

با وجود انکار و مخالفت صریح، موافقان حجیت روایت نقل به معنا در بین محدثان متقدم

۷۱. المسند(احمد بن حنبل)، ج ۹، ص ۳۸۲.

۷۲. الوسیط فی علوم و مصطلح الحدیث، ص ۳۲۳؛ ، الأنوار الکاشفة لما فی کتاب أضواء علی السنه من الزلل و التضلیل و المجازفه، ص ۷۴.

و متأخر دو مذهب، در اکثریت بوده و مانند مخالفان، دلایل بسیاری بر درستی ادعای خود مطرح می‌کنند و حتی به نقد دلایل مخالف می‌پردازند.

مثلاً برداشت نادرست از نصوص متظاهر، به منع تقید و سخت‌گیری بیهوده بر لفظ پرداخته و با اشاره به پیامدهای ناگوار تکیه بر لفظ و در نتیجه انهدام بخش عظیمی از احادیث نقل شده به روش نقل به معنا را از نتایج فاجعه‌بار و جبران‌ناشدنی نقل به معنا می‌دانند. مخالفان نیز با برشمردن آسیب‌های نقل به معنا و عدم توجه به مزایای این روش، سعی در اسقاط حجیت اخبار منقول به این روش دارند.

در نتیجه این تفکر سخت‌گیرانه، بیشتر میراث حدیثی مسلمین بیهوده، و فاقد حجت و اعتبار جلوه می‌کند؛ زیرا به اذعان خود مخالفان، اعظم احادیث به این روش روایت شده است.

برای جلوگیری از این پیامد سنگین، صحیح آن است که با متوسل شدن به شروط مذکور در کتب علم‌الحديث، برای شناسایی صحت خبر منقول به روش نقل به معنا، (مانند آگاهی راوی از معانی و مقاصد الفاظ، دانستن معنی کامل حدیث در ذهن و...) قائل به حجیت این نوع احادیث و بازشناسی آنها از روایات نامعتبر و ضعیف شده و در نتیجه از انهدام میراث حدیثی مسلمین ممانعت به عمل آید. البته واضح است قبول این روش به صورت مطلق و بدون در نظر گرفتن شرایط و موازین استفاده از آن در نقل احادیث، خود از عوامل زمینه‌ساز ضعف و جعل حدیث و در نتیجه اثبات دیدگاه مخالفان در نقل احادیث به این شیوه است.

## کتابنامہ

۱. إتحاف الخیر المہرہ بزوائد المسانئ العشرہ، احمد بوصیری، ریاض: دارالوطن، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۲. أثر اختلاف الأسانید و المتون فی إختلاف الفقہاء، ماهر یاسین ہیتی، بیروت: دار الکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
۳. إسبال المطر علی قصب السکر (نظم نخبہ الفکر فی مصطلح أهل الأثر)، محمد صنعانی، بیروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۴. إسعاف ذوی الوطر بشرح نظم الدرر فی علم الأثر (شرح ألفیة السيوطی فی الحدیث)، محمد ولوی، مدینة المنورة: مكتبة الغرباء الأثریہ، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۵. الأصول الستة عشر، جمعی از نویسندگان، تحقیق: ضیاء الدین محمودی، نعمت اللہ جلیلی و مهدی غلامعلی، قم: دار الحدیث الثقافیہ، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۶. ألتکت الوفیہ ما فی شرح الألفیہ، ابراهیم بقاعی، بی جا، مکتبہ الرشد ناشرون، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۷. الأمالی، شیخ مفید محمد، قم: کنگرہ شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۸. الأنوار الکاشفة لما فی کتاب أضواء علی السنہ من الزل و التذلیل و المجازفہ، عبدالرحمن یمانی، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۹. «أسیب نقل به معنا در احادیث؛ عوامل و پیامدها»، علی دلبری، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۹ش، شماره ۸۴.
۱۰. بحار الأنوار أجامعه لدرر الأئمة الأطهار، محمد باقر مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۱. بنادر البحار (ترجمہ و شرح خلاصہ کتاب العقل و العلم و الجهل بحار الأنوار)، محمد باقر مجلسی، مترجم علی نقی فیض الإسلام، تہران: انتشارات فقیہ، چاپ اول، بی تا.
۱۲. تبسیط علوم الحدیث، محمد مطیعی، قاہرہ: مطبعة حسن، بی تا.

١٣. تحرير علوم الحديث، عبدالله جديع، بيروت: مؤسسة الريان للطباعة و النشر، چاپ اول، ١٤٢٤ق.

١٤. تدريب الزاوى فى شرح تقريب النواوى، عبدالرحمن سيوطى، بى جا، دار طيبه، بى تا.

١٥. تدوين السنة الشريفة، محمد رضا جلالى حسيني، قم: مكتبة الأعلام الإسلامى، چاپ دوم، ١٤١٨ق.

١٦. التعليقة على أصول الكافى، محمد باقر ميرداماد، قم: الخيام، چاپ اول، ١٤٠٢ق.

١٧. توثيق السنة فى القرن الثانى الهجرى أسسه و إتجاهاته، رفعت عبدالملطب، مصر: مكتبة الخناجى، چاپ اول، بى تا.

١٨. توجيه النظر إلى أصول النظر، طاهر جزانرى، حلب، مكتبة المطبوعات الإسلاميه، چاپ اول، ١٤١٦ق.

١٩. تيسير مصطلح الحديث، محمود طحان، رياض: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٢٥ق.

٢٠. الخلاصة فى معرفه الحديث، حسين طيبى، بى جا، المكتبة الإسلاميه للنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٣٠ق.

٢١. دفاع عن السنة و رد شبهة المستشرقين و كتاب المعاصرين، محمد ابوشهبه، بى جا، مكتبة السنه، چاپ اول، ١٩٨٩م.

٢٢. روايات الجامع الصحيح و نسخه (دراسه نظريه تطبيقيه)، جمعه فتحى عبدالحليم، مصر: دارالفلاح للبحث العلمى و تحقيق التراث، چاپ اول، ١٤٢٤ق.

٢٣. «روايى ها و ناروايى هاى نقل به معنا؛ كاوشى در چند و چون نقل به معنا و نسبتش با تحريف و تغيير كلام»، طاهره محلى كريمى و ساير نويسندگان، مجله علوم حديث، ١٣٩٨ش، شماره ٩٣.

٢٤. روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسى، قم: مؤسسة الثقافية كوشانبور، چاپ دوم، ١٤٠٦ق.

۲۵. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی و المستطرفات، محمد بن ادريس حلی ، قم: دفتر النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۶. سفينة البحار، شيخ عباس قمی، قم: نشر اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۷. السنة قبل التدوين، محمد عجاج خطيب، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۰۰ق.
۲۸. السنن، عبدالله الدارمی، مصر: وزارة الأوقاف المصريه، بی تا.
۲۹. السنن، محمد بن يزيد(ابن ماجه)، بيروت: دارالفكر، بی تا.
۳۰. الشافی فی شرح الكافی، ملا خليل قزوینی، قم: دارالحديث، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
۳۱. الشذا الفياح من علوم ابن الصلاح، ابراهيم شافعی، بی جا، مكتبة الرشد، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳۲. شرح التبصرة و التذكرة، عبدالرحيم عراقی، بيروت: دارالکتب العلميه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۳۳. شرح الكافی، ملا صالح مازندرانی، تهران: المكتبة الإسلاميه، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
۳۴. الشرح المختصر لنخبة الفكر لابن حجر عسقلانی، محمود منياوی، مصر: مكتبة الشامله، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
۳۵. شرح الموقظة للذهبي، محمود منياوی، مصر: مكتبة الشامله، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
۳۶. شرح علل الترمذی، عبدالرحمن حنبلی، اردن: مكتبة المنار، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۷. شرح نخبة الفكر فی مصطلحات أهل الأثر، علی قاری، بيروت: دار الأرقم، بی تا
۳۸. صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، محمد بن حبان ، بيروت: مؤسسه الرّساله، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۹. صيانة صحيح مسلم من الإخلال و الغلط و حمايته من الإسقاط و السّقط، عثمان بن عبدالرحمن (ابن صلاح)، بيروت: دارالغرب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۴۰. علم التخريج و دوره فی حفظ السنة النبويه، محمد شهری، بی جا، مجمع الملك فهد للطباعة المصحف الشريف، بی تا.



٤١. علم الحديث، كاظم شانه چى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ بیست و پنجم، ١٣٩٤ ش.
٤٢. الغایة فی شرح الهدایه فی علم الروایه، محمد سخاوى، بی جا، مكتبة أولاد الشيخ للتراث، چاپ اول، ٢٠٠١ م.
٤٣. فتح الباقي بشرح ألفية العراقي، زكريا سنيكى، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤٢٢ ق.
٤٤. فتح المغيث بشرح ألفية الحديث للعراقي، محمد سخاوى، مصر: مكتبة السنه، چاپ اول، ١٤٢٤ ق.
٤٥. الفصول المهمة فى أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، محمد بن حسن (حر عاملی)، قم: مؤسسه معارف اسلامى امام رضا عليه السلام، چاپ اول، ١٤١٨ ق.
٤٦. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، محمد قاسمى، بيروت: دارالكتب العلميه، بی تا.
٤٧. الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تهران: دارالكتب الإسلاميه، چاپ چهارم، ١٤٠٧ ق.
٤٨. الكفاية فى علم الروايه، احمد بن على خطيب بغدادى، بيروت: دارالكتب العلميه، چاپ اول، ١٤٠٩ ق.
٤٩. محاسن الإصطلاح، عمر كنانى، بی جا، دارالمعارف، بی تا.
٥٠. المختصر فى علم الأثر، محمد كافي جى، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ١٤٠٧ ق.
٥١. مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر مجلسى، تهران: دارالكتب الإسلاميه، چاپ دوم، ١٤٠٤ ق.
٥٢. المسند، احمد بن حنبل، بيروت: مؤسسة الرساله، چاپ اول، ١٤٢١ ق.
٥٣. مسند أبى داود الطيالسى، سليمان بن داود طيالسى، مصر: دارهجر، چاپ اول، ١٤١٩ ق.
٥٤. معارج الأصول، جعفر بن حسن محقق حلى، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ١٤٠٣ ق.

۵۵. المعجم الأوسط، سليمان بن احمد طبرانی، قاهره: دارالحرمين، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۵۶. معرفه أنواع علوم الحديث (مقدمه ابن الصلاح)، عثمان بن عبدالرحمن (ابن صلاح)، بيروت: دار الفكر المعاصر، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۵۷. معيارهای شناخت احاديث ساختگی، قاسم بستانی، اهواز: نشر رشن، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۵۸. مفتاح السعيدية في شرح الألفية الحديثية، محمد بن عمار (ابن عمار)، صنعا: مركز نعمان للبحوث و الدراسات الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۳۲ق.
۵۹. المقرب في بيان المظرب، احمد رحابی، بيروت: دار ابن حزم للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۶۰. مقدمة في أصول الحديث، عبدالحق دهلوی، بيروت: دار البشائر الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۶۱. المقنع في علوم الحديث، عمر بن علی (ابن ملقن)، مملكة العربية السعودية: دار فواز للنشر، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۶۲. منهاج البراعة في شرح نهج البلاغه، حبيب الله هاشمی خویی، تهران: مكتبة الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.
۶۳. منهاج المحدثين في القرن الأول الهجري و حتى عصرنا الحاضر، علی مزید، بی جا، الهيئة المصرية العامة للكتاب، بی تا.
۶۴. منهج الإمام احمد في إعلال الأحاديث، علی عمر بشير، بی جا، وقف الإسلام، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۶۵. منهج النقد في علوم الحديث، محمد عتر، دمشق: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۸ق.
۶۶. المنهل الروی في مختصر علوم الحديث النبوی، محمد حموی، دمشق: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۶۷. الموقظة في علم مصطلح الحديث، محمد بن احمد ذهبی، بی جا، مكتبة المطبوعات الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۱۲ق.

٦٨. نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر، احمد بن علي عسقلاني، رياض: مطبعة سفير، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٦٩. «نقل به معنا در حديث؛ ابعاد و آثار آن»، محمد تقی اكبر نژاد، مجله فقه، ١٣٨٧ش، شماره ٥٥.
٧٠. «نقل به معنا»، مهدي مهريزي، ١٣٧٥ش، مجله علوم حديث، شماره ٢.
٧١. النكت على كتاب ابن الصلاح، احمد بن علي عسقلاني، مدينة المنورة: عماده البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
٧٢. نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين للفيض)، محمد حسن فيض كاشاني، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي، چاپ اول، ١٣٧١ش.
٧٣. وسائل الشيعة إلى تحصيل المسائل الشريعه، محمد بن حسن (حر عاملي)، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٧٤. الوسيط في علوم و مصطلح الحديث، محمد ابوشهبه، بيروت: دار الفكر العربي، چاپ اول، بی تا.
٧٥. وصول الأخبار إلى أصول الأخبار، حسين عاملي، قم: مجمع الذخائر الإسلامية، چاپ اول، ١٤٠١ق.
٧٦. الهدايا لشيعة أئمة الهدى، محمد مجذوب تبريزي، قم: دارالحديث، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
٧٧. اليواقيت و الدرر في شرح نخبة ابن حجر، عبد الرئوف مناوي، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ١٩٩٩م.